

"رویای شفاف"

مترجم:

F_S_S12

ویراستار:

Lack Wood

کلیر:

Lilac

تایپست:

Hana



کاری از تیم:

Flaxen Guys



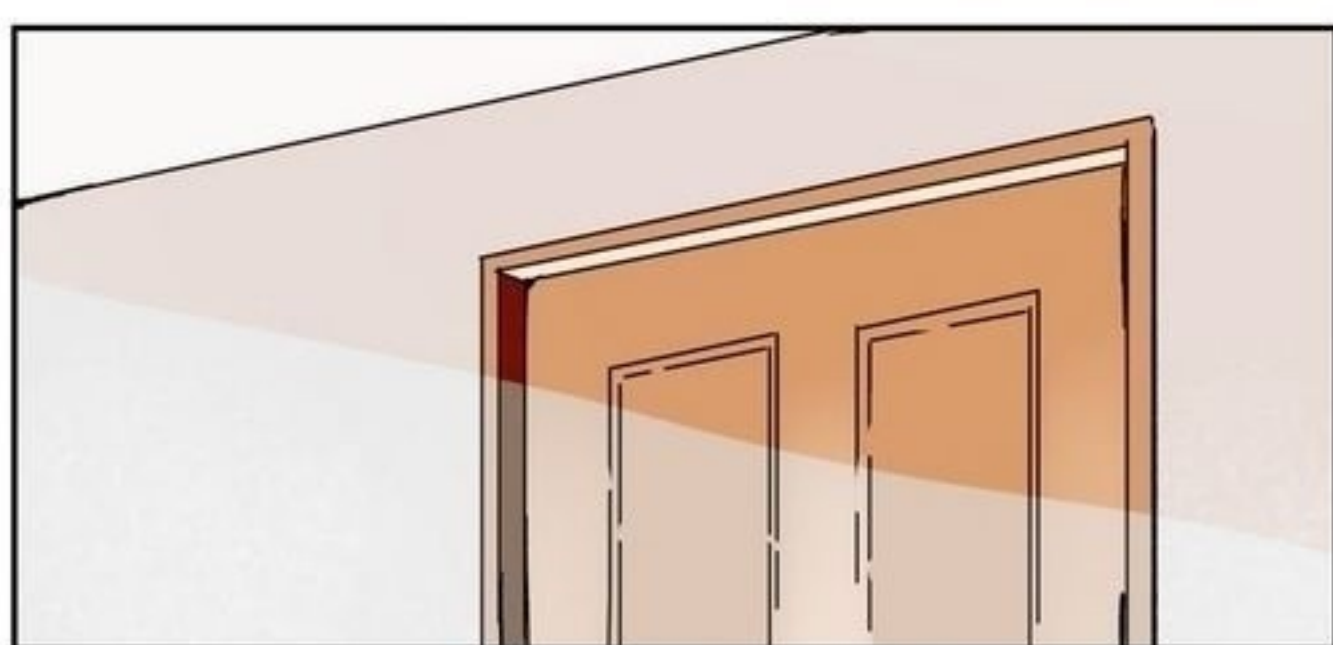
@Flaxen_Guys

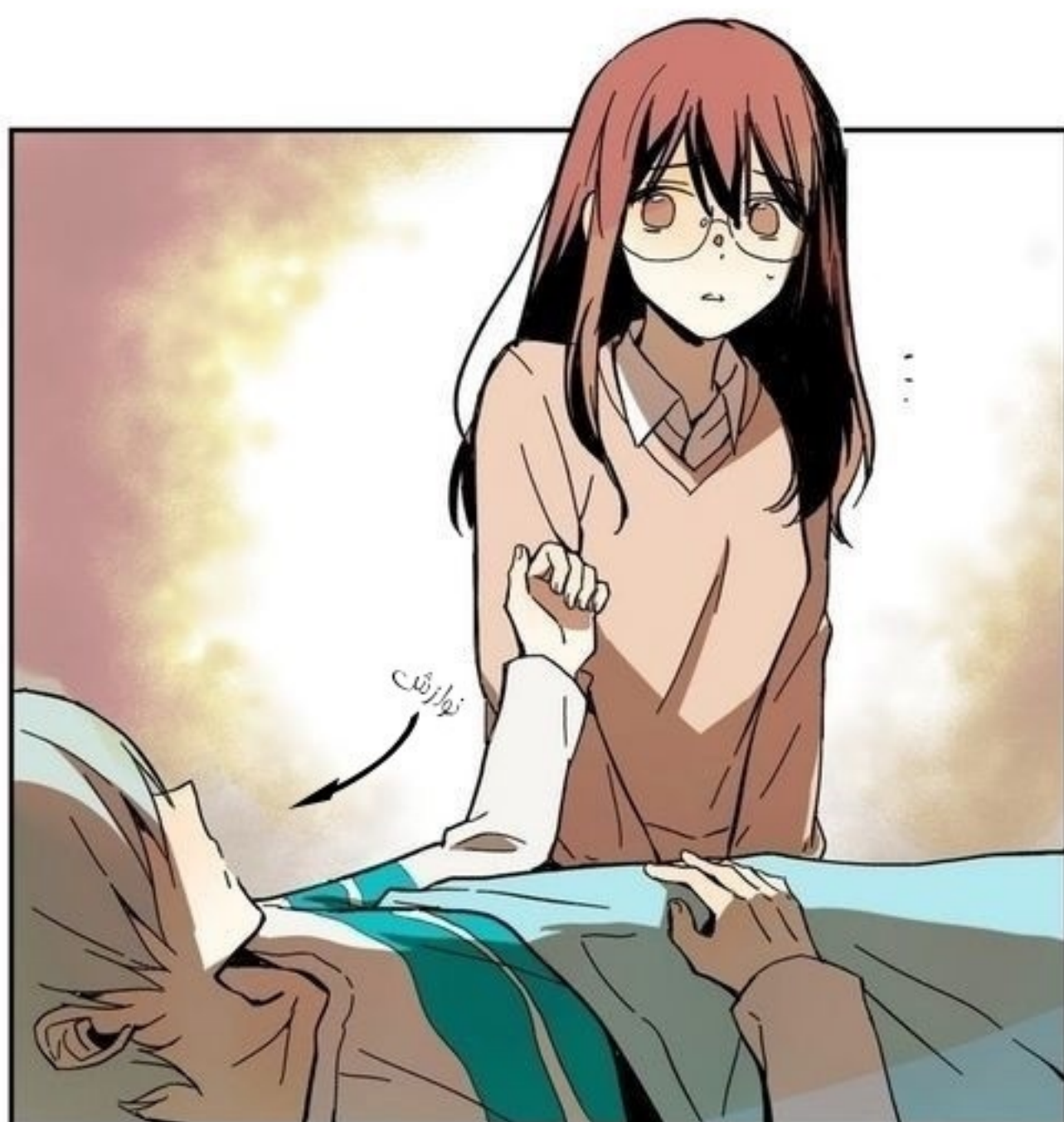


@Flaxen_Guys



@FlaxenGuys







LUCID DREAM

نویسنده / MasaRabbit طراح / Kirty

روایای هفتم



من اینجا.

و این لحظه رو می‌شناسم.





این وضعیت موقته.



اول از همه،
من حتی نمی‌دونم
جیهه اینجا هست
یا نه.



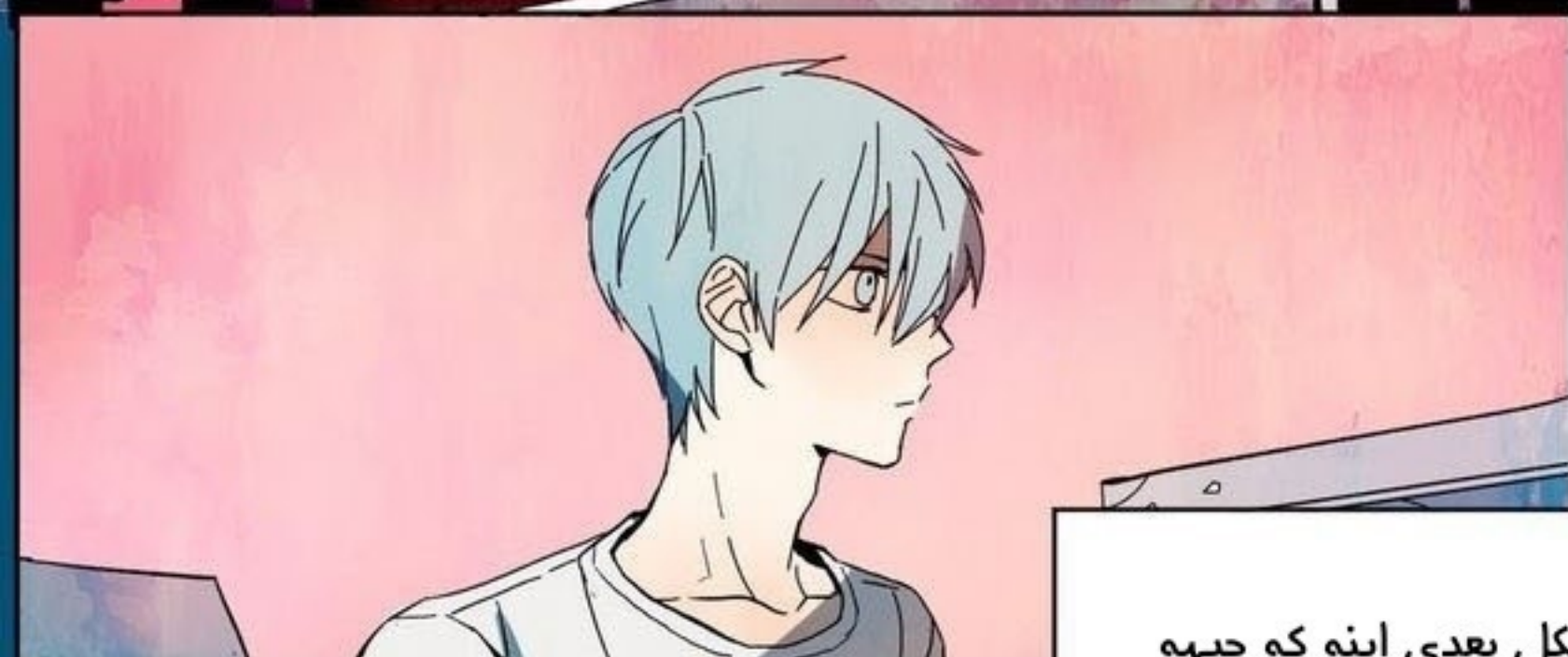
ولی جیهه
همراه جیوون مُرد

راستش
بودن جیوون اونم
اینجا به من امید
می‌ده.



چون اونا با هم و
تو یه مکان مردن،

عجیب نیست که بگم اونا
آخر سر وارد یه مکان مشترک
شدن. به هر حال اونا با هم
بودن.



مشکل بعدی اینکه که جیهه
اصلا می‌تونه جواب منو بده؟

ممکنه صدامو بشنوه، ولی
نمی دونم که می تونه جوابمو
بده یا نه.



از اولم، نمی دونستم صدام
به گوشش می رسه یا نه.

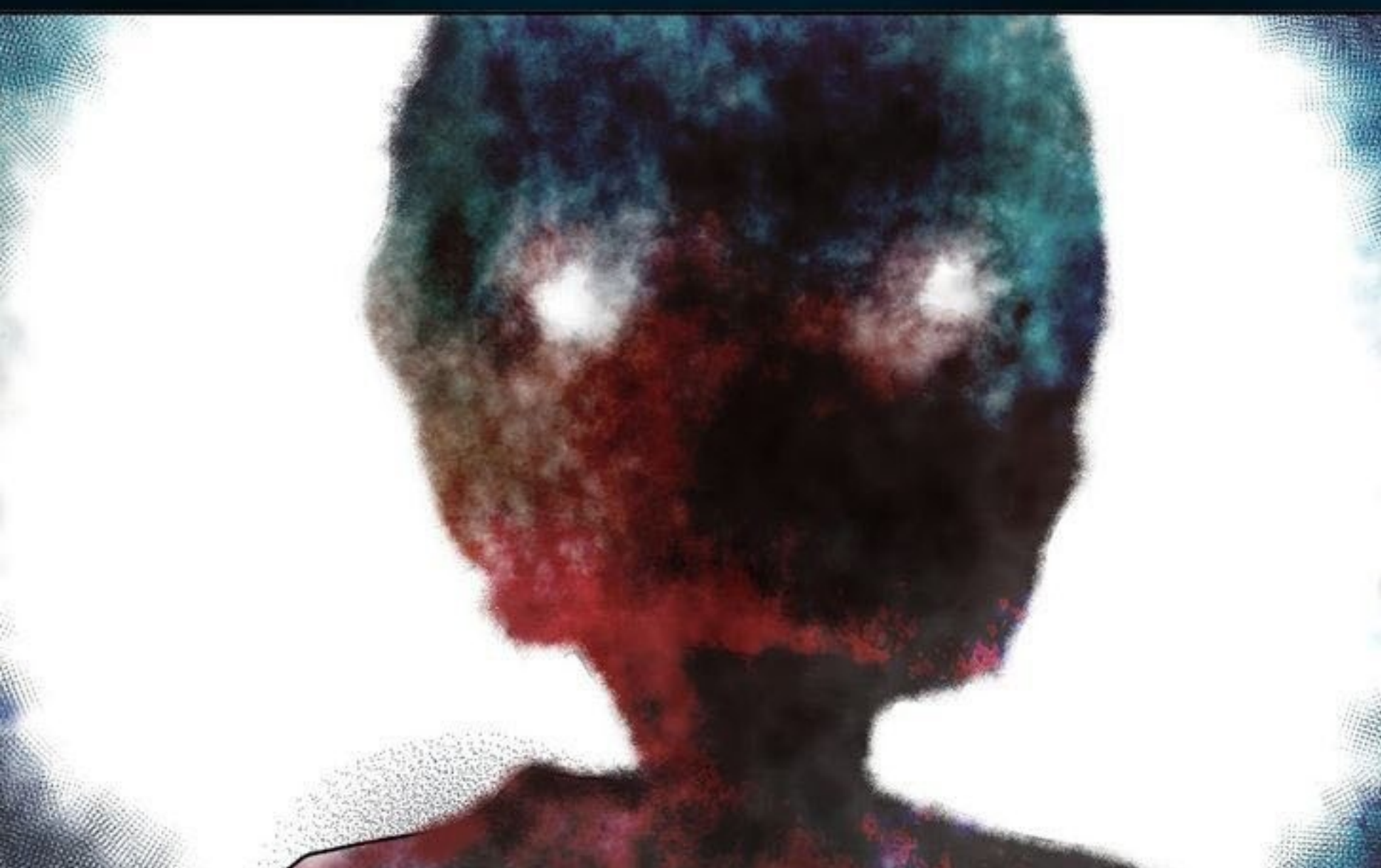






احتمالاً...





گفتنش
سخته...

تنها چیزی که
می‌تونم بینم یه
موجود سیاهه...

نمی‌تونم
احساسات یا حرفای این
موجود رو بفهمم.



ولی تا به حال
هیچ وقت یه همچین
موجودی دنیا لم راه
نیفتاده بود.

حتمأً یه چیزی
هست...

ممکنه جيهه باشه؟

ممکنه راه افتادن
این موجود دنبال من به
خاطر صدا زدنی من باشه؟

دست دراز کردن

صبر کن...

ولی اگه
جيهه نباشه
چی؟

اگه در جواب من
که جيهه رو صدا زدم،

این موجود با اینکه
جيهه نیست دنبال راه افتاده
باشه چی...

ممکنه
"همچین چیزی" رو بیارم
توی دنیای واقعی؟



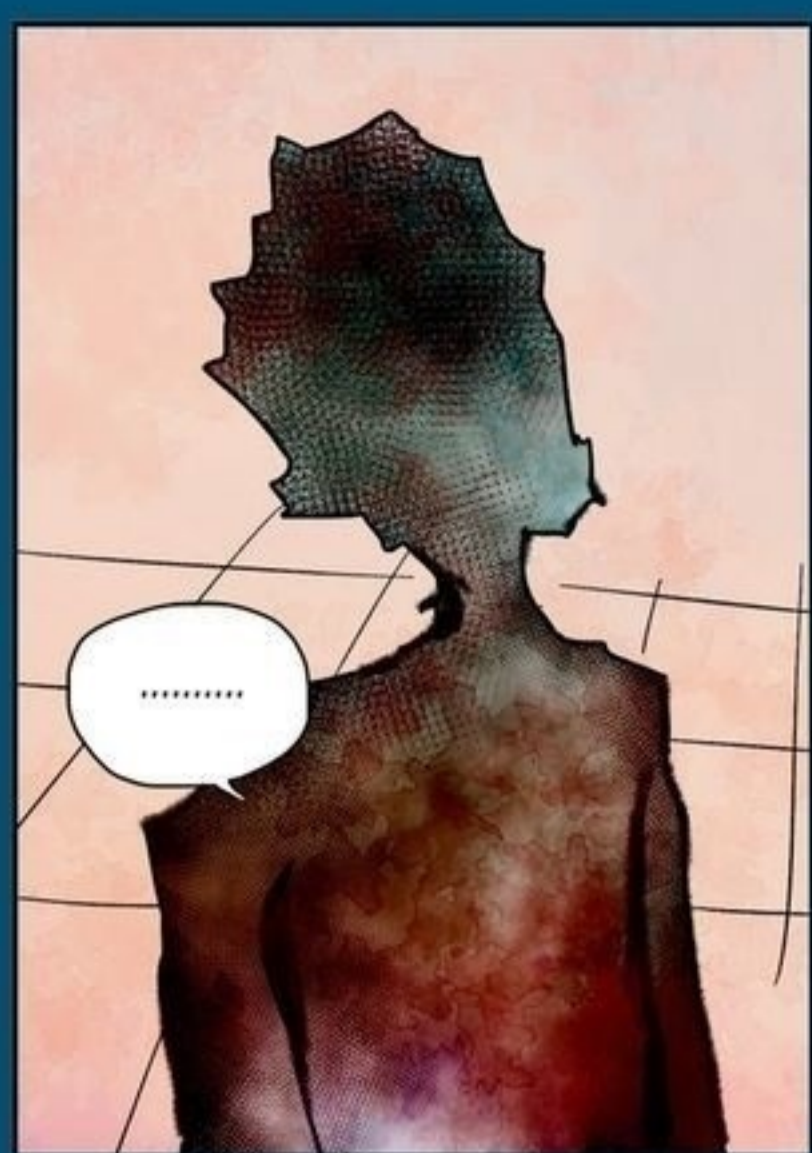
خدایا...
لطفاً...



لطفاً کمک کن که
راثوم بتونه جیمه رو
نجات بدما



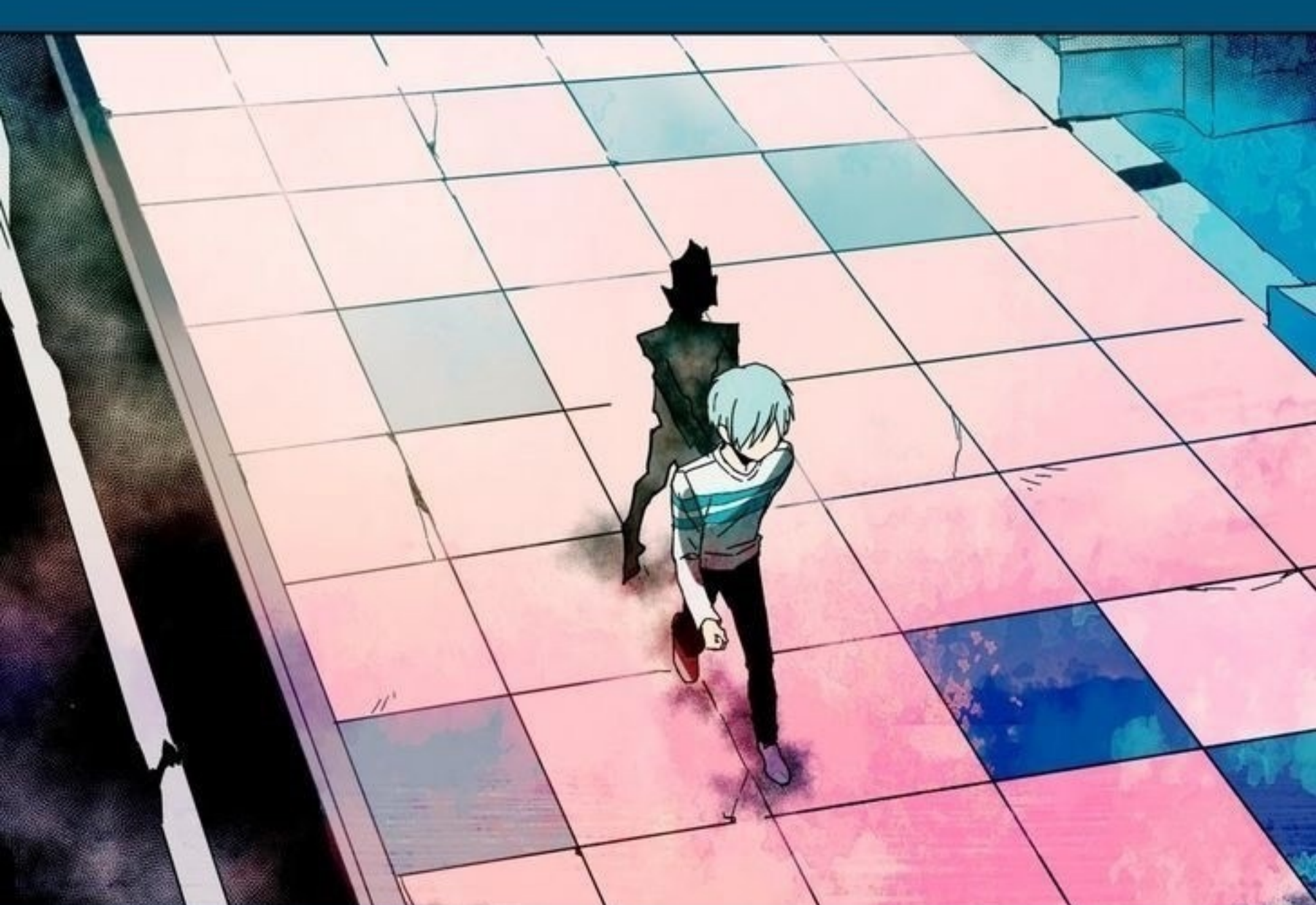
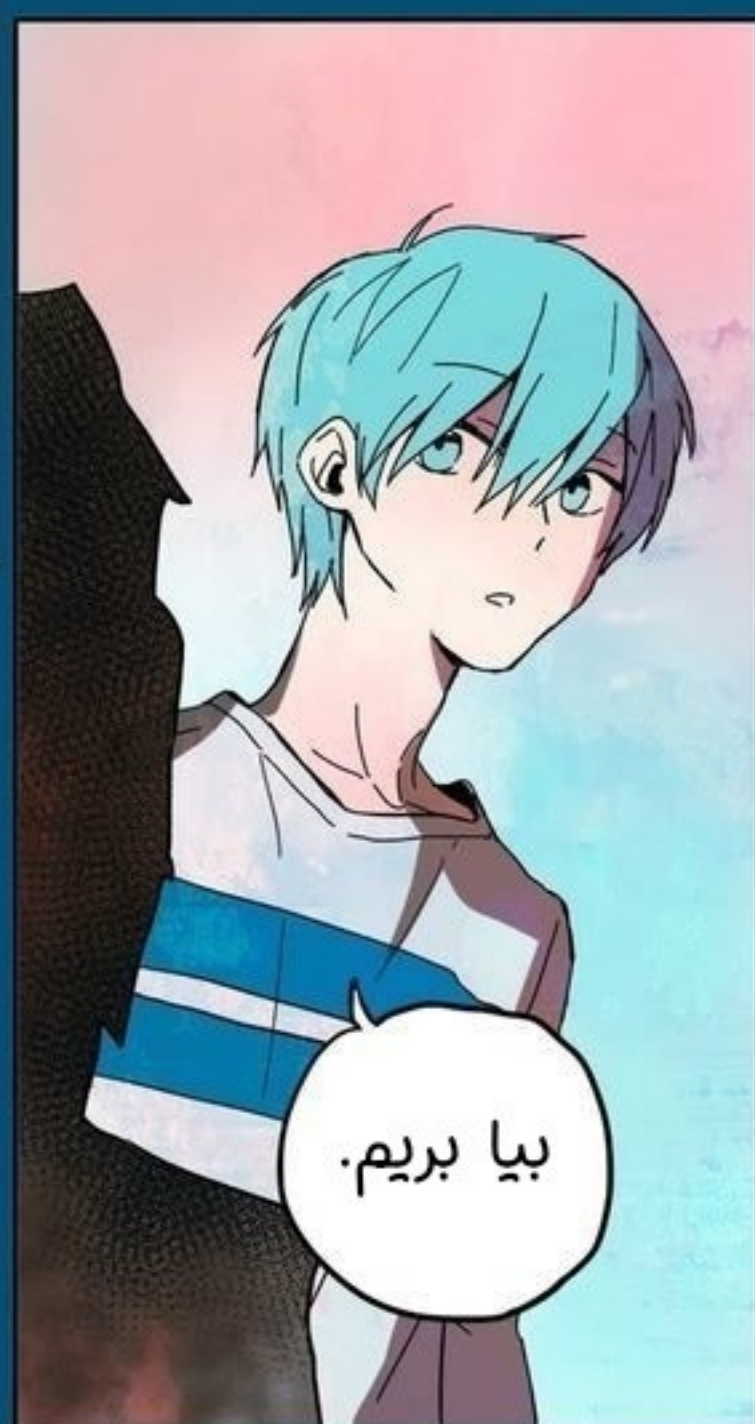
یادت میاد
چطوری اومدی
اینجا؟



اڳه مي فهمي
چي مي گم مي شه به جوري واکنش
نشون ڏي؟







پایان رویا

